



## بررسی تاثیر نقاشی درمانی (هنردرمانی) بر ابعاد تلقی فاجعه آمیز و پذیرش تنظیم هیجانی در دانش آموزان دارای اختلال یادگیری

رکسانا علیجانزاده ، دکتر رضا دنیوی  
مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی  
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی تاثیر نقاشی درمانی (هنردرمانی) بر ابعاد تلقی فاجعه آمیز و پذیرش تنظیم هیجانی در دانش آموزان دارای اختلال یادگیری بود. این پژوهش نیمه آزمایشی و از نوع پیش آزمون پس آزمون با گروه گواه است. جامعه پژوهش متشکل از دانش آموزان دارای اختلال یادگیری مدارس ابتدایی بابل بود که از طریق آزمون وکسلر شناسایی شدند. ۳۰ نفر از این دانش آموزان به روش تصادفی ساده انتخاب و پس از آن از طریق گمارش تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه گمارده شدند. گروه آزمایش دوازده جلسه یک ساعته نقاشی درمانی را گذراند. جهت جمع آوری داده ها در پیش آزمون و پس آزمون از مقیاس تنظیم شناختی هیجانی گرانفسکی که روایی پایایی هر دو آزمون نیز بالای ۸۰٪ تعیین و تایید شده است؛ استفاده شد. نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد نقاشی درمانی بر ابعاد تلقی فاجعه آمیز و پذیرش کودکان دارای اختلال یادگیری موثر است و این دانش آموزان پس از شرکت در جلسات نقاشی درمانی تفاوت قابل ملاحظه ای در میانگین نمرات پس آزمون نشان دادند که نشان از موثر بودن این نوع درمان بر کاهش تلقی فاجعه آمیز و پذیرش کودکان دارای اختلال یادگیری است.

کلمات کلیدی: نقاشی درمانی، تنظیم هیجانی، اختلال یادگیری

مقدمه و بیان مسأله

کودکان دارای اختلال یادگیری افرادی هستند که به هر دلیلی برای دستیابی به انطباق و سازگاری که به آنها امکان موفقیت می دهد، نیاز به آموزش ویژه دارند (هالاها و کافمن، ترجمه: علیزاده و همکاران، ۱۳۹۱) و در موقعیت حل مسأله اجتماعی در جهتی گام بر می دارند که منجر به کناره گیری، پرخاشگری و به دنبال آن احساس تنهایی و اختلال هیجانی می گردد اسماعیلی (۱۳۸۲). بیشتر روش های درمان این کودکان از طریق تمرین و تکرار برای بهبود مشکلات تحصیلی آنها صورت می گیرد. این روش ها براساس این فرض استفاده می شود که بهبود پیشرفت تحصیلی بر عزت نفس، اصلاح روابط بین فردی و وضعیت اجتماعی کودکان تأثیر مثبت گذاشته و منجر به کمتر شدن مشکلات هیجانی می شود (مورگان، فارکاس، توفیس و اسپرلینگ، ۲۰۰۸). به نظر می رسد کودکان دارای اختلال به دلیل عدم موفقیت تحصیلی دارای احساس تنهایی بیشتر و تنظیم هیجانی کمتری نسبت به کودکان عادی باشند. باکر<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۷) معتقد هستند که بین موفقیت تحصیلی و بهزیستی اجتماعی-هیجانی همبستگی وجود دارد. پژوهشگران همچنین نشان دادند که جو مثبت کلاس و حمایت های مدرسه جهت خدمات رسانی به دانش آموزان دارای اختلال یادگیری، باعث افزایش عملکرد موثر و سازنده آنها در مدرسه می شود (مارگالیت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴). در حال حاضر بیشتر درمان هایی که برای درمان کودکان دارای اختلال یادگیری به کار می روند از نوع درمان های انسانی گرایانه ای است که بر هیجانها متمرکز هستند. نکته کلیدی در درمان، برقراری ارتباط با یکی از حواس، از طریق کشف و بازتاب بر روی آنهاست. کشف شناختی و عاطفی حواس منجر به بصیرت شده و سرانجام باعث تغییر رفتار می شود. در فراتحلیل درمان های انسان گرایانه ای کودکان دارای اختلال یادگیری، تمرکز هیجانی در درمان، عملکرد کودکان را بهبود می بخشد (فرابلیش و شچمن<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). چندین پژوهش دیگر نیز نشان دادند درمان گروهی کودکان دارای اختلال یادگیری، مشکلات اجتماعی هیجانی کودکان را در مقایسه با گروه کنترل بهبود داده است. (شچمن، ۲۰۰۷). بنابراین این